

بررسی و مقایسه شخصیت زن در رمانهای ایران و ترکیه

(با تأکید بر سووشون و چالی قوشو)\*

Ayşe SOSAR\*\*

### چکیده

پژوهشهای تطبیقی در ادبیات ملل مختلف اهمیت بسزایی دارد. از آنجا که موضوع آن بحث و بررسی تأثیر و تأثر ادبیات کشورها با یکدیگر است، فواید فراوان در غنی سازی نقد ادبی کشورها دارد. در این میان بررسی و مقایسه آثار ادبی کشور های ایران و ترکیه از اهمیت و ضرورت ویژه ای برخوردار است. چرا که این دو کشور همسایه با فرهنگ مشترک اسلامی در طول قرون متمادی با یکدیگر روابط نزدیک و تنگاتنگ داشته و تأثیر این روابط و جلوه های مشترک فرهنگی آنان در عرصه های مختلف به ویژه در ادبیات آنها انعکاس یافته است. در پژوهش حاضر برای روشن ساختن افکار، روحیات و عواطف مشترک کشورهای مذکور دو رمان مطرح از ادبیات آنان انتخاب و از نظرگاه نقش آفرینی و اثر گذاری زنان در عرصه های مختلف اجتماعی و نوع نگرش نویسندگان آنها نسبت به زنان مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است. هر چند این رمانها در فاصله زمانی نسبتاً دور به هم و از قلم و زبان دو نویسنده مختلف زن و مرد نوشته شده اند؛ اما دارای مشترکاتی چون منعکس ساختن وضع حاکم بر جوامع خود، ترسیم شخصیت مبتکر، فعال و اثر گذار از زنان نیز دارا بودن ارزش ادبی ممتاز هستند. بررسی و مقایسه رمانهای مذکور نشان داد که هر دو نویسنده با رویکرد کاملاً جدید به زن از نگرش مرد سالارانه و سنتهای زائد و مهجور جوامع خود انتقاد کرده و با اعتماد و اعتقاد به استعداد و قابلیت های زن با بخشیدن هویت فردی و استقلال رأی به آنان، چهره ای کاملاً فراتر از تلقی رایج از یک زن ترسیم نموده، بدین ترتیب در تغییر نگرش عمومی جوامع خود نسبت به آنان و بالا بردن اعتماد به نفس و خود باوری زنان، برای ایفای نقش مثبت و مؤثر، نقش بسزایی داشته اند.

واژگان کلیدی: رمان معاصر ایران و ترکیه، شخصیت پردازی، سووشون، چالی قوشو.

این مقاله از پایان نامه چاپ نشده کارشناس ارشد نگارنده، تحت عنوان "تحلیل شخصیت زن در رمانهای سووشون اثر سیمین دانشور و چالی قوشو اثر رشاد نوری گونتکین" (دانشکده علوم انسانی و ادبیات دانشگاه تربیت مدرس، تهران 2007) استخراج شده است.

\*\* Dr. Öğretim Üyesi, Sakarya Üniversitesi, Fen Edebiyat Fakültesi, Türk Dili ve Edebiyatı Bölümü. aysesosar@sakarya.edu.tr

**Examination and Comparison of Women Characters in Iranian and Turkish Novels  
(With Emphasis on *Souvashun* and *Chaligushu*)**

**Abstract**

*Comparative researches are so important in various nations' literature. Since its matter is to review and discuss the influences of nations literature onto each other; it has much advantages in richening of nations literary criticism, amongst, the review and comparison of literary works of Iran and Turkey have an essential respect. Since that these two neighbour countries with common Islamic cultures, have close relations to each other at long centuries, and the influential of these relations and their common culture aspect has been reflected in different arenas particularly in their literatures. In present research, it have been selected two famous novels of above mentioned countries literature to clarify their common thinks, mentalities and affections, and it have been reviewed and compared in view of playing role and influencing of women in different social arenas and the attitude type of its authors about women; however, these novels have been written by two writings one by author and the other by authoress in so far times to each other; but they have a privileged literary value with commonalities such as reflection of predominant state on their societies, Tracing of innovator active and effective character of women. Review and compare of mentioned novels showed that each of two authors have criticized their nations, obsolete and superfluous traditions and patriarchal attitude with a new vision to women and with confidence and believing to the woman abilities and talents offering the individual identity and idea independence to them they have drawn a highly up to prevailing reception countenance of a woman, thus they have a critical role in changing of general view of their nations about women and enhancement of women self-believing and self reliance to playing an effective and positive role.*

**Key words:** *Contemporary of Novel Iran and Turkey, characterizing in *Souvashun* and *Chaligushue**

## مقدمه

داستان در ادبیات کهن ایران و ترکیه جایگاه ارزنده ای داشته و در این زمینه آثار زیبا و دلنشین به جای مانده است. در دوران معاصر هر دو کشور نیز به این نوع در قالب جدید به نام رمان توجه زیادی شده برای ایجاد آن شگردهای مختلف به کار گرفته و از جریانهای گوناگون پیروی شده است. رمان به خاطر ویژگی هایی که دارد، بیش از هر نوع ادبی دیگر مورد توجه بوده است. رمان انعطاف پذیر است، یعنی در هر شرایط زمانی و مکانی و محیطی می تواند خود را با آن وفق دهد. در طبقات اجتماعی مختلف هوا خواه دارد و موضوع آن زندگی انسان با تمام ابعاد آن است. به این دلایل تبدیل به قالب مناسبی برای بیان افکار و اندیشه های مختلف گردیده است. نویسندگان بسیاری به آن روی آورده و اندیشه های خود را به وسیله آن بیان کرده، برداشت های خود را از زندگی به وسیله آن عرضه نموده اند. اثر هر نویسنده بازتابی است از مسایل فکری و فرهنگی جامعه اش، نویسنده هیچ وقت از حوادث اجتماعی جدا و دور نیست. واقعیت های هر دوره تأثیر مستقیم و آشکار بر نحوه تفکر نویسندگان دارد. با توجه به این امر بررسی دیدگاه ها و نگرش های نویسندگان در باره زنان و تلقی آنان از شخصیت زن که به عنوان وجود آورنده و تربیت کننده نسل ها و مهمترین عنصر سازنده اجتماع و فرهنگ اجتماعی هست؛ می تواند بیانگر تأثیر زن بر جامعه و جامعه بر زن باشد.

## 1- معرفی رشاد نوری گونتکین و اثرش

## 1-1 زندگی نامه

رشاد نوری، یکی از نویسندگان مطرح در عرصه های نمایشنامه، قصه و داستان نویسی معاصر ترکیه است. وی در سال ۱۸۸۹ م. در استانبول به دنیا آمد، پدرش نوری بیگ پزشک ارتش و مادرش لطفیه خانم دختر یاور پاشا، یکی از فرماندهان قدیم شهر ارزورم بود. رشاد نوری ایام کودکی و تحصیلات ابتدایی خود را در شهرهای مختلف آناتولی که به خاطر مأموریت های پدرش به آنجاها سفر می کردند، گذراند. وی پس از اتمام تحصیلات متوسطه در یکی از مدارس فرانسوی در ازمیر، وارد دانشکده ادبیات دارالفنون استانبول شد و در سال ۱۹۰۰ م. با کسب عنوان معلمی زبان و ادبیات ترکی، فارغ التحصیل گردید. رشاد نوری سالها در مدرسه های مختلف شهرهای بوسا و استانبول تدریس نمود. مدتی نیز مدیریت برخی از مدارس را برعهده داشت. پس از آن در سال ۱۹۲۷ م. به سمت بازرسی آموزش و پرورش انتصاب شد. او در این سمت به سر تا سر آناتولی، سفر نمود و امکان آن را یافت که واقعیت های کشور را به دیده ژرف نگرانه و عمیق از نزدیک مشاهده نماید.

رشاد نوری در سال ۱۹۳۹ م. به عنوان نماینده مردم چاناک قلعه وارد مجلس شد و پس از چهار سال انجام وظیفه، به سمت رایزن فرهنگی ترکیه در سازمان ملل متحد، انتخاب شد و به فرانسه رفت. وی در سال ۱۹۵۴ م. در همان سمت باز نشسته شد و به استانبول برگشت. رشاد نوری پس از فعالیتهای ممتد در عرصه فرهنگ و ادب در سمت های مختلف، سرانجام در سال ۱۹۵۶ م. بر اثر بیماری سرطان ریه در گذشت.

## 1-2 معرفی رمان چالی قوشو

رشاد نوری، رمان چالی قوشو را در ابتدا به صورت نمایش چهار پرده ای تحت عنوان «دختر استانبولی» نوشت؛ اما مشکلاتی که در اجرای آن به وجود آمد در اثرش تجدید نظر نمود و به صورت داستان باز نویسی کرد. چالی قوشو برای اولین بار در روزنامه واکیت (وقت) در سال 1922 م. چاپ شد و پس از دو ماه به شکل کتاب

انتشار یافت. امروز که 98 سال از نگارش آن می‌گذرد همواره به عنوان پر خواننده ترین و پر فروشترین رمان شهرت بزرگی در ادبیات دوره جمهوری ترک حتی در سرتا سر ادبیات نوین ترک، کسب نموده، مورد پسند اقشار مختلف جامعه ترک قرار گرفته است. به گونه ای که از رشاد نوری با وجود تألیفات زیاد او هم قبل و هم بعد از این رمان همیشه به عنوان «محرر چالی قوشو» یاد شده است. راز موفقیت و شهرت نزدیک به یک قرن چالی قوشو را بیرویل امیل با این جملات خلاصه می‌کند: «رشاد نوری با رمان چالی قوشو، سبک و محور نویسندگی خود را بنا نهاد، خواننده ترک نیز در این اثر رمان و رمان نویس خود را پیدا کرد.» (Emil, 1984: 82) فتحی ناجی نیز حمایت و دفاع رشاد نوری از ارزشهای اخلاقی مردم و جامعه و وارد کردن واقع گرایی انتقادی را در رمان ترک از جمله دلایل توجه خاص و عام به این رمان و نویسنده اش ذکر کرده است. (Naci, 2003: 12)

عنوان رمان چالی قوشو بر گرفته از نام یک پرند است. پرند ای کوچک و پر جنب و جوشی که به بازی گوشتی و شیرینکاری معروف است. چالی قوشو لقبی است که اطرافیانش به فریده (شخصیت اصلی داستان) نهاده اند. چرا که او نیز مثل چالی قوشو، بازی گوش و پر جنب و جوش و دوست داشتنی است.

رمان 430 صفحه ای چالی قوشو از 5 قسمت تنظیم و در هر یک از این قسمت ها انبوهی از حوادث گنجانیده شده است. رمان به جز قسمت آخر به شکل خاطره و از زاویه دید اول شخص از زبان شخصیت اصلی داستان (فریده) روایت می‌شود. زبان ساده و روان و آغاز دلنشین و گیرایی آن مثل اغلب داستانهای که با زاویه دید اول شخص روایت می‌شوند به راحتی با خواننده ارتباط برقرار می‌کند و سبب می‌شود که خوانندگان حوادث را دنبال کنند و تا پایان رمان را مطالعه نمایند.

چالی قوشو، داستان زندگی دختر جوانی است به نام فریده که به دلیل شکست عاطفی و روحی از خانه و خانواده خود جدا شده آواره دیار غربت شده است. محور و موضوع اصلی رمان به ظاهر ماجرای عشقی فریده و پسر خاله او کامران است؛ اما تنها طرح این ماجرای عشقی و روابط عاشقانه مورد نظر نویسنده نیست. قصد نویسنده به طور کلی نمایش پاره ای از مسایل و مشکلات جامعه، طرح نگرش جدید نسبت به زنان و ترسیم چهره کاملاً جدید و غیر متعارف از یک زن در نهایت رویکرد انتقادی او نسبت به وضع و نگرش حاکم بر جامعه است. نویسنده با قرار دادن فریده در مکان و محیط های مختلف، وضع اجتماعی و ذهنیات، احساسات و عرفیات حاکم بر جامعه را در آن برهه از زمان به نمایش گذاشته است. حوادث داستان در اواخر امپراطوری عثمانی و سالهای آغازین جنگ جهانی اول می‌گذرد. ماجرای داستان حدوداً در طول سه سال اتفاق می‌افتد اما با بازگشت به گذشته و گریز از زمان حال 25 سال زندگی را در بر می‌گیرد.

در مورد رمان چالی قوشو بررسی ها و انتقادهای زیادی صورت گرفته و در هر کدام از آنها این پرسش و مسأله بیان و بررسی شده است اینکه آیا تم اصلی داستان شخصیت فردی و داستان زندگی فریده است، یا زندگی جمعی و اجتماع؟ چالی قوشو آیا واقعاً یک رمان کارا کتر است یا رمان اجتماعی؟ ضیاء باقیرجی اوغلو می‌گوید: «چالی قوشو یک رمان شخصیتی است و تنها داستان زندگی فریده است و بس. در «چالی قوشو طرف مقابل وجود ندارد. شخصیت های فرعی و عناصر دیگر بر اساس میل و علاقه فریده تنظیم و ترتیب داده شده اند. از این نظر می‌تواند در چهار چوب رمان های روانشناختی بررسی شوند که البته نویسنده در این زمینه هم موفق عمل نکرده است.» (Bakırcıoğlu, 2004: 84) بیرویل امیل در این باره می‌نویسد: «ممکن است در نگاه اول برای خواننده،

این تصور به وجود آید که چالی قوشو یک «رمان شخصیتی» یا «رمان تیپ» است که داستان زندگی دختری به نام فریده را که در آناتولی به سر می برد، نقل می کند. مسلم و بدیهی است که شخصیت فریده در ادبیات ما چهره کاملاً نو و غیر متعارف از یک دختر جوان است؛ اما این ویژگی گذشته از آنکه از شخصیت خود او سر چشمه بگیرد؛ از تنوع و فروانی محیط هایی که در آن قرار می گیرد، به وجود آمده است. در صورت جدا شدن از این محیط ها و رویارویی با شخصیت های مختلف، نه شخصیت نه عشق و نه داستان زندگی او چندان معنا و جذابیت نخواهد داشت. در نتیجه فریده، تنها به عنوان یک دختر ساده و معمولی جلوه می کند که برای فراموش کردن خیانتی که در حق او شده، پا به فرار می گذرد. اساساً ماهیت داستان زندگی و خصایل شخصی فریده چندان مجاب نمی کند که محیط و کادر شخصیتی بدان گستردگی و متنوع داشته باشد. بدین اعتبار است که می گوئیم منظور و مقصود نویسنده بیشتر از آن که خلق یک شخصیت یا تیپ نو باشد؛ ترسیم و توصیف مکانهای دور افتاده و ناشناخته آناتولی و انسانهای متعلق به طبقات و ذهنیات مختلف آن است.» (Emil, 1984: 73)

در مجموع می توان گفت که هر کدام از این نظر ها به منزله خود درست است و پذیرفتنی. چرا که همه آنها به طور یکسان دلایل کهنگی ناپذیری این رمان را به اثبات می رساند. آنچه که غیر قابل انکار است و همه در آن اتفاق نظر دارند، این است که چالی قوشو بر آمده است از اندیشه های اجتماعی - عاشقانه که جذابیت دراماتیک آن می تواند خواننده را تا مدت ها به خود مشغول دارد. رمانی است زیبا، دلنشین و مهمتر از همه فرا زمانی که سالیان متمادی نسل به نسل در هر دوره با ذوق و اشتیاق خوانده شده است.

### 1-3 خلاصه رمان چالی قوشو

رمان، دفتر خاطره فریده است. او در تاریکی و تنهایی اتاق یکی از هتل های شهر دور و غریب برای رهایی از تنهایی اش خاطرات خود را می نویسد و با بازگشت به گذشته ایام کودکی و نوجوانی خود را مرور می کند. در آن دفتر می خوانیم:

فریده، دختر یک افسر نظامی است که در ایام کودکی پدر و مادرش را از دست داده، نزد مادر بزرگ اش زندگی می کند. پس از مرگ مادر بزرگش تحت حمایت خاله اش به نام بسیمه در می آید و با سر پرستی او در یکی از مدارس دخترانه فرانسوی ثبت نام کرده، مشغول درس و تحصیل می شود. به خاطر شیطنت ها و شیرین کاری ها و جنب و جوشش در مدرسه لقب چالی قوشو بر او نهاده می شود. او آخر هفته ها و تعطیلات تابستانی را در خانه خاله بسیمه سپری می کند. خاله بسیمه، پسر جوانی به نام کامران دارد. کامران جوان مؤدب و موقر است. فریده از این روی از او خوشش نمی آید؛ اما تنها از او حساب می برد و وسیله شوخی هایش قرار نمی دهد. کامران با آنکه مدام فریده را به خاطر رفتار های سبک و ناسنجیده اش سرزنش می کند، سخت به او علاقه مند است. از فریده خواستگاری می کند. احساس منفی فریده نسبت به کامران با مرور زمان از بین رفته، تبدیل به علاقه شده است. برای همین به کامران جواب مثبت می دهد. پس از مراسم نامزدی، کامران برای انجام مأموریت به اروپا می رود. در این مدت فریده دوران تحصیلاتی خود را به پایان می رساند. پس از بازگشت کامران، آنها برای برگزاری جشن عروسی آماده می شوند. یک روز هنگام غروب زن نا شناسی با فریده ملاقات می کند و به او می گوید، کامران در مدتی که در کشور سوئیس بوده، با زنی به نام منور سر و سری داشته و وعده ازدواج به او داده است. برای اثبات حرف هایش هم نامه های عاشقانه رد و بدل شده بین آنان را به فریده می دهد. فریده نامه ها را می

خواند. سخت رنجیده می شود. نمی تواند با این موضوع کنار بیاید. بدون آنکه با کسی حرفی بزند و چیزی بگوید، شب هنگام با چمدانی در دست، خانه را ترک می کند. او جایی را ندارد که برود. به خانه پیر زنی که دایه مادرش بوده پناه می برد. مدتی در آنجا می ماند. سعی می کند با مدرک تحصیلی ای که دارد به عنوان معلم به یکی از شهر های آناتولی برود و زندگی جدیدی را در آنجا آغاز کند؛ اما درگیر تشریفات اداری و بی اعتنائی ارکان دولت قرار می گیرد. پس از سختی و تلاش فراوان به این خواسته اش دست می یابد و به مدرسه ای در شهر بورسا فرستاده می شود.

فریده هنگام ورود به مدرسه متوجه می شود که معلم دیگری قبل از او به آنجا آمده است. آنها دست به یکی می کنند و با وعده و وعید های دروغین فریده را قانع می کنند که به روستایی به نام زینیان برود. او چاره ای ندارد، قبول می کند؛ اما وقتی به آنجا می رسد، متوجه می شود که قربانی توطئه بزرگی شده است. بار دیگر شکست می خورد. روزهای سختی را پشت سر می گذراند. بدبینی و یأس و اندوه سر تا سر وجودش را فرا می گیرد. برای رهایی از آن وضع، خود را وقف دانش آموزان و تعلیم و تربیت آنان می کند. از بین آنها دختری به نام مونسه توجه او را جلب می کند. زندگی سرشار از بدبختی و مظلومانه مونسه، فریده را سخت تحت تأثیر قرار می دهد. تصمیم می گیرد او را به فرزندی بگیرد. با جلب اعتماد و رضایت پدر مونسه، به این کار جامه عمل می پوشاند. مونسه تسلی خاطر و مرهم دل شکسته فریده می شود. آنها در کنار هم احساس خوشبختی می کنند.

در یکی از آن روزها درگیری بزرگی بین راهزنان و ژاندارم ها به وجود می آید. سرباز مجروحی را به روستا می آورند. فریده در آنجا با مرد مسنی به نام خیرالله بیگ آشنا می شود. خیرالله بیگ پزشک ارتش، مرد فهمیده و دنیا دیده است. بودن زن جوان و زیبایی مثل فریده در آنجا برای او غیر عادی می نماید. او بعد ها نقش سرنوشت سازی را در زندگی فریده بازی خواهد کرد.

چندی بعد مدرسه روستا، پس از تفتیش و بازرسی به دلیل وضعیت نامطلوب، بسته می شود. چالی قوشو (فریده) ناگزیر به همراه مونسه آنجا را ترک می کند. به شهر بورسا بر می گردند. او پس از روستای زینیان در شهرها و روستاهای مختلف آناتولی از جمله بورسا، چاناک قلعه، از میر و قوش آداسی به شغل معلمی می پردازد و برای بهبود فضای آموزشی و بالا بردن کیفیت آن و زندگی مادی و معنوی شاگردانش دست به اقداماتی می زند. در این میان زیبایی اش برای او مسأله ساز می شود. به هر جا که می رود، مورد توجه و علاقه مردان قرار می گیرد. در بورسا یک معلم موسیقی در چاناک قلعه یک افسر نظامی و... از این روی حرف و حدیث ها پشت سر او زده می شود و با نامهربانی های اطرافیان مواجه می شود. او هنگام اقامت در قوش آداسی با دکتر خیرالله بیگ ملاقات می کند. خیرالله بیگ فریده را مثل دختر خود می داند و حمایت اش می کند. در آن ایام که فریده، مونسه را بر اثر بیماری از دست داده است، سخت آشفته و پریشان خاطر می شود. روزها در بستر به سر می برد. به گونه ای که فکر خودکشی در سر می پروراند؛ اما صحبتها و دلگرمی های دکتر خیرالله، شادی و امید را دوباره در وجود او زنده می کند. خیرالله بیگ به خاطر حرف هایی که پشت سر فریده زده می شود، با او یک ازدواج صوری انجام می دهد و به عنوان یک پدر مهربان و دلسوز فریده را در برابر نا مهربانی های روزگار حفظ می کند. او یک روز دفتر خاطره را که گم شده است، پیدا می کند. آن را می خواند و پنهان از دید فریده نگه می دارد. وقتی بیمار می شود، با فریده وصیت می کند و از او قول می گیرد که بعد از مرگ او حتماً به دیدن خانواده اش برود و بسته ای را که به او می دهد، به دست کامران برساند. فریده پس از مرگ خیرالله بیگ وصیت او را به جا می آورد. برای چند

روزی نزد خاله اش می رود و بسته ای را که به او سپرده شده است، بدون آنکه از محتویات آن اطلاعی داشته باشد، به کامران می دهد. داخل بسته نامه ای از سوی خیر الله بیگ و دفتر خاطره فریده است. خیر الله بیگ در نامه از کامران خواسته است که تحت هیچ شرایطی اجازه ندهد، فریده آنجا را ترک کند. کامران آن شب تا صبح نامه و دفتر خاطره فریده را می خواند و روز بعد به یاری خانواده اش مانع رفتن فریده که عازم سفر شده است، می شود و داستان با ازدواج آن دو خاتمه می یابد.

## 2- معرفی سیمین دانشور و اثرش

### 2-1 زندگی نامه

سیمین دانشور نویسنده، مترجم و زیبایی شناس موفق ایرانی در سال 1300 / 1921 م. در شیراز به دنیا آمد. پدرش دکتر محمد علی دانشور، مادرش قمر السلطنه نقاش و مدیر هنرستان هنر های زیبای شیراز بود. وی دوره ابتدایی و متوسطه را در مدرسه انگلیسی «مهر آیین» گذراند. در سال 1328 / 1948 از دانشگاه تهران در رشته زبان و ادبیات فارسی دکترا گرفت. در همین سال با جلال آل احمد ازدواج کرد. در سال 1331 / 1952 با بورسیه تحصیلی به آمریکا رفت و در دانشگاه «استنفورد» به مدت دو سال زیبایی شناسی خواند. او پس از بازگشت به ایران نخست در هنرستان هنر های زیبا تدریس کرد و پس از آن هم در سال 1337 / 1958 به سمت دانشیاری در دانشگاه تهران انتخاب شد و به تدریس باستان شناسی، تاریخ و هنر روی آورد. وی بیشتر از بیست سال در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به تدریس ادبیات پرداخت و سرانجام در سال 1390 / 2012 در گذشت.

### 2-2- معرفی رمان سوشون

سوشون بهترین و معروف ترین اثر داستانی دانشور و از جمله داستانهای معروف زبان فارسی است که اقبال تام و مقبولیت عام یافته است. این کتاب پس از اولین چاپ در سال 1348 / 1969 تا کنون ده ها بار تجدید چاپ شده و به چندین زبان زنده دنیا از جمله انگلیسی، روسی و ژاپنی ترجمه شده است.

عنوان داستان سوشون، دلالت بر رسمی می کند که بر اساس روایت ملی و افسانه ای یاد بود قتل سیاوش (چهره افسانه ای شاهنامه) در ایران بر پا می شده است که این روز یاد بود را سیاوشان می خوانند. رمان بدان علت سوشون نام گرفته است که شخصیت اول داستان (یوسف) که مثل سیاوش سر بلند و آزاد است، به صورت ناجوانمردانه و مظلومانه مثل سیاوش کشته می شود و سوگ او سوشون دیگر است.

در باره نوع رمان سوشون دیدگاه های مختلف وجود دارد. برخی منتقدان آن را رمان اجتماعی، برخی تاریخی سیاسی برخی نیز رمزی و فلسفی دانسته اند. هوشنگ گلشیری می گوید: «سوشون به حق یک رمان معاصر است. معاصر است چون حد اقل از نقالی ها و دراز نفسی های معمول آثاری چون شوهر آهو خانم، کلیدر، جای خالی سلوج، مبرا است، رمان است یعنی متعلق به عوالم خیال و خلق است. در نتیجه حداقل از عکس برداری صرف از واقعیات قراردادی اجتماعی نویس های ما در آن خبری نیست. سوم آنکه رمان معاصر است چون ثبت تجربه صادقانه و درونی یک دوره تاریخی است ... مهمتر از همه این که سوشون ساختمان فی نفسه مستقل و به هنجار دارد و کار نقد به قصد کشف و تفهیم، حتی بر ملا کردن این ساخت است...» (گلشیری، 1376: 11) بزرگ علوی در نقدی که بر سوشون نوشته، می گوید: «سوشون تصویر زنده و مهیج و سیاسی و اجتماعی و اخلاقی مردم شیراز و یا بهتر بگویم ایرانیان در جنگ دوم جهانی است و هدف آن آگاه نمودن نقش مبارزه مردم است و از

قتل نماینده آنها یعنی یوسف. اهمیت و ارزش این اثر در ریزه کاری هایی است در بیان ماجرا های فرعی که منظره روشنی از اجتماع ایران را زیر تسلط یک ارتش بیگانه مجسم می کند.» (بزرگ علوی/دهباشی، 1383: 317-321) عیسی اربابی سوشون را از جهت ساختار کامل ترین رمان فارسی و معیار قابل اعتماد قلمداد می کند و بر آن است که استحکام یا سستی ساختار رمانهایی که قبل یا بعد از آن منتشر شده با آن سنجیده و مقایسه می شود. او می گوید: «تا کنون نویسندگان معاصر نتوانسته اند رمانی خلق کنند که از جهت ساختار و هم آهنگی و اجزای تشکیل دهنده ساختار قصه، بتوانند با رمان سوشون هم سنگ و برابر باشد یا آن را پشت سر بگذارند. سوشون رمانی بازتاب مستقیم و ساده واقعیت نیست. آمیزه ای از واقعیت و تخیل است. در این رمان شخصیت ها به خوبی ساخته و پرداخته شده اند و درون و برون آنان به خوبی نشان داده شده است. هیچ نکته زائد و بی لزوم در این رمان چند صد صفحه ای به استثنای یک فصل بسیار کوتاه، دیده نمی شود. نثر رمان زیبا، ساده و در عین حال قابل انعطاف، روان و دلنشین است.» (اربابی، 1378: 149-158)

موضوع سوشون، داستان زندگی زری و یوسف (دو شخصیت اصلی) و شرح مسایل و قضایای اجتماعی سیاسی نیمه اول دهه بیست (1322) اواخر جنگ جهانی دوم، حاکم بر ناحیه فارس است. ماجرا های 304 صفحه ای رمان از 23 قسمت تشکیل شده است که به شیوه دانای کل محدود از دید زری (شخصیت اصلی زن) روایت می شود.

سوشون، اولین رمان ایرانی است که یک زن آن را نگاشته و داستان از نگاه قهرمان زن آن دیده و روایت شده است که به نوبه ی خود می تواند یکی از دلایل توجه و عنایت مردم به این رمان باشد. عنصر مبارزه و ایستادگی در برابر خواسته های بیگانگان که در تمام این رمان به چشم می خورد، یکی از دلایل جذب مخاطب است. به خصوص اینکه این مسأله از دیدگاه یک زن روایت می شود. زنی که در جامعه، مظلوم واقع شده در این رمان صدایش را بلند می کند و به گوش مردم می رساند.» (ابوالحسینی، 1382: 10)

### 3-2 خلاصه رمان سوشون:

زری (زهره) با همسر و سه فرزند خود در یک باغ بزرگ متشکل از کلفت، نوکر و باغبانها، زندگی می کند. همسر زری (یوسف) علی رغم ثروت فراوان، انسانی است مردم دوست و حق طلب که با بیگانگان و حکومت وابسته به آنان رابطه خوبی ندارد.

داستان با رفتن زری و یوسف به جشن عقد کنان دختر حاکم شیراز آغاز می شود. شهر شیراز همانند دیگر نقاط جنوبی ایران در آن زمان تحت نفوذ و سلطه انگلیسی ها است. اعیان و اشراف شهر و فرماندهان و سران قشون انگلیسی هم به جشن دعوت شده اند. در این جشن سرچنت زینگر افسر انگلیسی نیز حضور دارد و سعی می کند یوسف را راضی کند محصولات خود را برای مصرف ارتش انگلیس به آنها بفروشد. یوسف که خان روشنفکر و متکی به ارزشهای بومی است، تن به این کار نمی دهد. مصمم است محصول خود را برای مردم شهر که در معرض خطر قحطی قرار دارند، نگه دارد. برخورد تند و تحقیر آمیز او با سران انگلیسی، زری را به شدت نگران می کند و سعی می کند با رفتار مسالمت آمیز یوسف را آرام کند.

ابوالقاسم خان برادر یوسف با بیگانگان سازش دارد و برای به دست آوردن پست و مقام همواره سعی دارد یوسف را راضی کند که محصولش را به انگلیسی ها بفروشد. در این راستا از آنها می خواهد در جشن انگلیسی ها



شرکت کنند. این جشن هم با شکوه تمام و با انتقادها و صراحت گویی های یوسف که ترس و نگرانی زری را دو چندان می کند، به پایان می رسد.

چندی بعد وقتی که یوسف به مسافرت می رود. ابوالقاسم خان به دیدن زری می آید و خبر می دهد که حاکم، سحر، کره اسب خسرو پسر یوسف را برای دختر کوچک خود خواسته است. زری و عمه خانم از شنیدن این خبر به شدت ناراحت می شوند. زری از دادن کره اسب امتناع می کند و تصمیم می گیرد در مقابل خواسته حاکم بایستد؛ اما خان کاکا که فکر می کند بخشیدن اسب به حاکم بهترین وسیله رفع سوء ظن و جلب محبت حاکم نسبت به یوسف است، به زری می قبولاند که تن به این کار دهد. ابوالقاسم خان خسرو را با خود به شکار می برد و به زری توصیه می کند اسب را به فرستاده ی حاکم بدهد و به خسرو بگوید که اسب مرده است. زری مردد و دل نگران است. از غلام می خواهد به فرستاده بگوید او در خانه نیست؛ اما چند روز بعد که ژاندارمی با نامه ای از زن حاکم برای بردن اسب می آید، مجبور می شود اسب را تحویل دهد. دستور می دهد در جلوی طویله گور ساختگی درست کنند و وانمود کنند که سحر مرده است. در این فاصله هم دنبال راه حلی می گردد که قبل از برگشتن خسرو اسب را پس بگیرد. برای همین از عزت الدوله کمک می خواهد.

چند روز بعد یوسف از سفر بر می گردد. خسرو که مرگ سحر را باور نکرده است، مخفیانه همراه با هرمز پسر عموی خود به خانه حاکم می رود تا اسب را به خانه بر گرداند. زری متوجه غیبت آنها می شود و ناچار موضوع اسب را برای یوسف تعریف می کند. یوسف زری را به خاطر این کار سرزنش می کند. آنها دنبال خسرو می روند و می بینند که خسرو و هرمز در پاسگاه جلوی خانه توقیف شده اند. با وساطت ابوالقاسم خان موفق می شوند آنها را آزاد کنند. پس از ماجر هایی هم سحر را پس می زگیرند.

چند روز بعد یوسف به ده می رود. زری از رفتن او نگران و دل‌تنگ است. هر شب کابوس و خوابهای آشفته می بیند. هر چه زمان می گذرد، خوابهای آشفته تر می شود. او در خوابهای یوسف را سیاوش دیگر می بیند و داستان بعد اساطیری می یابد. بعد از دو هفته جسد خونین یوسف را که با تیر کشته شده است به خانه می آورند. مرگ یوسف زری را دچار آشفتگی و پریشانی می کند. به گونه ای که همه از جمله خود فکر می کند او دیوانه شده است. زری در حالت خواب و بیداری گذشته، حال و آینده خود را جلوی چشم می آورد. سخنان دکتر عبداللہ خان، ترس و وحشت او را از بین می برد و آرامش و امید به او می بخشد. در نهایت از تردیدها رهایی می یابد و دید او نسبت به زندگی دیگرگون می شود.

زری علی رغم مخالفت های ابوالقاسم خان همراه با دوستان یوسف تصمیم می گیرد تشییع جنازه و عزاداری آبرومندانه برای یوسف بر گزار کند؛ اما تشییع جنازه به تظاهرات ضد استعماری و در نتیجه درگیری بین نیرو های امنیتی تبدیل می شود. آنها مجبور می شوند جنازه یوسف را شبانه به خاک بسپارند.

### 3- تحلیل و مقایسه شخصیت زن در سووشون و چالی قوشو

زنان در عملکرد اجتماعی و تاریخی جوامع مختلف همواره مورد بی مهری، ظلم و ستم واقع شده تحریف شخصیتی، تحقیر و هیچ انگاری آنان از یک سو، گاه به دلیل ویژگی های خاص زنانه مانند صبر و تحمل و صف ناشدنی و متانت فراوان گاه به دلیل جهل و بی سوادی و انزوای آنان در جامعه از سوی دیگر، به عنوان عوامل داخلی و عدم دسترسی به مکانیزم های قانونی احقاق حق، لایه های آن قطور تر و انحاء مختلف ستم نهادینه و

فرهنگی شده است. در یک پیگیری تاریخی معلوم می شود در تمام فرهنگ ها و ملیت ها امر فوق وجود داشته و مبانی معرفتی لازم نیز برای آن ساخته و پرداخته شده است. این ظلم گاهی در چهره تحقیر بی حد و زمانی در تحمیل وظایف و تکالیف مشقت بار و گاهی در نادیده گرفتن ظرافت های روحی زن، جلوه کرده است. وجود این ظلم غیر قابل انکار در برهه ای از زمان سبب ظهور جنبش سیاسی اجتماعی زنان یا فمینیسم *feminism* (زنگرایی) گردید که اولین جرقه های آن در سده هفدهم میلادی زده شده است. (علاسونده، 1382: 13)

با حیات مجدد این جنبش در دهه 1960 م. در کشورهای چون فرانسه و انگلیس و آمریکا و رخنه آن به عرصه ادبیات، رویکرد جدیدی تحت عنوان نقد فمینیستی *feminist criticism* شکل گرفت که هدف مشترک همه انواع تحقیقات فمینیستی را دنبال می کرد و می کوشید نشان دهد، جامعه مرد سالار بر چه ساز و کارهایی استوار است و چه ساز کارهایی از آن محافظت می کنند و هدف نهایی آن دیگرگون ساختن مناسبات اجتماعی بود. (مکاریک، 1384: 387)

تفاوت قابل شدن بین نگرش های زنان و مردان و کاربرد واژه های «زنانه» و «مردانه» محصول چنین رویکردی بود که هدف تبیین نگرش پدر سالاری در آثار ادبی را دنبال داشت. نقد فمینیستی، نظر ها را به ادبیات معطوف می کرد و با اذعان به اینکه ادبیات عرصه تداوم و وسیله محافظت نظام پدر سالاری است؛ در صدد آن بود که روشن سازد زنان نه تنها در دنیای واقعی بلکه در آثار ادبی اعم از داستانها و اشعار و نمایش ها نیز به عنوان موجودی حقیر، وابسته و در حاشیه زندگی مطرح شده اند.

به نظر ناقدان فمینیست «در حیطه ادبیات نیز سلطه با مردان بوده و این مردان بوده اند که در میدان ادب، سروده و نوشته اند و جولان داده اند؛ اما به زنان اجازه خود نمایی در این عرصه نداده اند. زنان انگشت شماری که جرأت کرده اند، در این میدان خودی بنمایند، به خاطر جو پدر سالار ادبیات ناچار بوده اند مردانه سخن بگویند و بیندیشند. مردان همواره خود را مجاز دیده اند که در آثار ادبی، تخیلات و افکار زنان را حلاجی کنند و از طرف آنان سخن بگویند و حتی رقیق ترین احساسات زنانه را از ذهنیت مذکر خود بازگو و موشکافی کنند؛ اما زنان از این حق مسلم خود محروم بوده اند.» (شایگانفر، 1384: 204)

عمده فعالیت های ناقدان فمینیست را می توان در سه مسأله خلاصه نمود؛ یکی باز یافتن سیمای زن و در کانون قرار دادن قهرمان زن و دیگر توجه به اینکه اگر نویسنده زن باشد متن چه کیفیتی دارد و سوم اینکه اگر خواننده زن باشد آیا در معنی متن تفاوتی ایجاد می شود یا نه؟ (شمیسا، 1385: 357)

نقد فمینیستی در وهله اول با مطرح ساختن قرائت زنانه و زن به عنوان خواننده، به دنبال اثبات درک و برداشت متفاوت از متن در صورت زن بودن مخاطب بود. چرا که واکنش یک زن و یک مرد در مقابل ایدئولوژی جنسی ای که در متن نمایش داده می شد، نمی توانست یکسان و مشابه باشد. اهداف این رویکرد را می توان چنین بر شمرد: نگرستن به آثار نویسندگان مرد از نظرگاه زن به عنوان خواننده و یافتن ایدئولوژی جنسی که در متن به نمایش گذاشته می شود و نمودن ایماژهای زنانه و تیپهای کلیشه ای زنان در این آثار همچنین بررسی و نقد آنها با رویکرد فمینیستی.

نمونه های اولیه این رویکرد، در کتاب به نام *la deuxieme sex* (1949) اثر سیمون دوبووار، قابل مشاهده است. سیمون دوبووار در این کتاب که پس از انتشار آن، موج تازه ای در تحركات فمینیست های سراسر

اروپا خصوصاً فرانسه را فرا گرفت و به زبان فارسی با عنوان «جنس دوم» و به ترکی هم با عنوان «زن» ترجمه شده است؛ با گرایش مارکسیستی ضمن انتقاد از جامعه پدر سالاری نقش و جایگاه زن را در آثار نویسندگان مرد مورد بررسی قرار داده و تحقیر و ظلم بر زنان را در عرصه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به عنوان یک زیر بنا و ادبیات را نیز با همان برخورد به زنان به عنوان روبنای انعکاس دهنده ی آن تلقی می کند. Moran, 1994: 234)

نقد فمینیستی در وهله نخست با رویکردی ایدئولوژیک، آثار نویسندگان مرد را مورد بررسی قرار می دهد و زن ستیزی و استعمار و استثمار زن را در این آثار تبیین می نماید. با تحقیق و جستجو در نوع شخصیت پردازی زنان در این آثار، دقت ها را به جایگاه زن در ادبیات و ارتباط آن را با اجتماع پدر سالاری، جلب می کند. چنین رویکردی به طور طبیعی نگرش مردان را نسبت به زنان و تفکر و ارزیابی آنان را آشکار می سازد؛ اما به طور واضح موضوع زن را به عنوان نویسنده در ادبیات، نمی تواند روشن سازد. چنین جستجوگری در مرحله بعدی نقد فمینیستی مشاهده می شود.

ناقدان فمینیست که به موضوع زن از منظر نویسندگی آن می پردازند، از این اصل آغاز می کنند که نویسندگان زن دارای سنت متفاوت هستند و این تفاوت در آثارشان حک شده است. زنان از آنجا که در طول تاریخ در معرض فشار ها، محدودیت ها و محرومیت های یکسانی قرار گرفته اند به طور طبیعی فهم و درک آنان از زندگی و جهان پیرامون متفاوت از مردان است. طرح سنت زنانه در نوشتار، اولین بار در کتاب *room of one a sown* (1929) (اتاقی از آن خود) ویرجینیا وولف مطرح گردید؛ ولی این رویکرد بعد ها توسط پژوهشگران دیگر با انتشار سلسله تحقیقات در این زمینه به عنوان یک سبک مشخص جایگاه و مورد توجه قرار گرفت. (Moran: 234)

با صرف نظر از بحث و بررسی در رد یا اثبات آراء نقد فمینیستی آن چه که با موضوع ما ارتباط دارد این است که با وجود اینکه نقد فمینیستی نگاه و ابزار کار آمدی است و با آن در فرهنگ و ادبیات ملل مختلف می توان به مطالعات گسترده ای دست زد؛ اما تقسیم بندی مطلق نویسندگان به دو گروه زن و مرد و ویژگی های خاص برای آنها قابل شدن در نقد ادبی چندان سود مند نیست. چرا که باعث می شود خواننده با ذهنیات از پیش شکل گرفته با متن روبرو شود و از درک ظرایف و سبک نویسندگان در شیوه های شخصیت پردازی و جهان نگری آنان، ناتوان بمانند. در تاریخ ادبیات هر دو کشور ایران و ترکیه، مثالهای زیادی از نویسندگان مرد پیدا می شود که با جزئی نگری بر خلیات و شخصیت زن پرداخته و چهره معقول و پذیرفتنی از آنها ترسیم کرده اند. در مقابل زنان نویسنده هم یافت می شود که از توصیف جزئیات رفتاری و نیز عواطف زنان ناتوان مانده و زبان زنانه آنان بیش از تقلیدی از زبان مردان فراتر نرفته است. نویسنده چالی قوشو، یکی از مصادیق این امر است. روایت نرم و آرام و سرشار از عذوفت و لطافت رمان، نشان دهنده آن است که روح مردانه نویسنده چنان با لطافت و زیبایی زنانه آمیخته است که حال و هوای کاملاً زنانه به داستان بخشیده است و چنین است نویسنده سوشون. روح زنانه نویسنده آمیخته به مردانگی و صلابت و سترگی است. شیوه بیان او نرم و آرام است؛ اما ضرب آهنگ و ریتم و موسیقی کلام حماسی است (غلامی/دهباشی، 1383: 397) در هر دو مورد نمی شود قبل از دیدن نام نویسندگان مذکور به وضوح گفت که آنها زن هستند یا مرد.

مقایسه دو رمان *سوشون* و *چالی قوشو* از نظر پرداختن به شخصیت زن، با وجود دو روایت مختلف از دو جنس مخالف، تشابه و مشترکات دیدگاه های هر دو نویسنده را نسبت به زن، آشکار و روشن می سازد. وجوه اشتراک هر دو نویسنده را می توان بدین شکل ذکر نمود:

فریده رمان *چالی قوشو* دختر 22 ساله تحصیل کرده است که از خصوصیات یک زن زیبا و جذاب برخوردار است. او در داستان با دو مرحله از زندگی خویش نمایان می شود. دوره نخست؛ دوره کودکی و نوجوانی و دوره دوم ایام جوانی اوست. در دوره کودکی و نوجوانی او را بیشتر با شیطنتها و شیرینکارپهانش می شناسیم. او که پدر و مادرش را از دست داده است در نزد مادر بزرگش در خانواده بزرگی از نظر افراد و موقعیت اجتماعی در یک خانه مجلل در ناز و نعمت و نوازش اطرافیانش به عنوان دختر پر جنب و جوش و دوست داشتنی و لوس و آزاد از هر گونه قید و محدودیت زندگی می کند. ایام نوجوانی فریده بیشتر در محیط مدرسه (دبرستان شبانه روزی فرانسوی) سپری می شود. زندگی او بر منوال کودکی می گذرد. البته این بار به خاطر سبک سری و رفتارهای ناسنجیده اش مورد هشدار و سرزنش بزرگان و نصیحتهای آنان بویژه خاله بسیمه قرار می گیرد؛ اما هیچ تغییر و دیگرگونی در او مشاهده نمی شود. حتی در آستانه ازدواجش با کامران هم از شوخی و کارهای عجیب و بچگانه دست نمی کشد. به گونه ای که وقتی شب عروسی پنهان از دیده دیگران خانه را ترک کرده و پا به فرار می گذارد همه فکر می کنند به دنبال شیطنت دیگری رفته است. در دوره جوانی، او را ابتدا در وضعیت می بینیم که تمام داشته ها و علایق مادی و معنوی خود را از دست داده، دچار یأس و ناامیدی و بدبینی نسبت به زندگی شده است. در جست و جوی آرامش و سر پناهی در مقابل تمام سختی ها و مشکلات دست و و پنجه نرم می کند. پس از اتفاقات گوناگونی که در محیطهای مختلف با آنها مواجه می شود، روحیه اش تغییر می یابد. روح سرکش او در در رویارویی با واقعیتهای های تلخ و ناگوار زندگی و استادگی در برابر ناروایی های روزگار انسجام و قوام می یابد. در نتیجه در آخر داستان با فریده ای مواجه می شویم که هیچ شباهتی با فریده قبلی ندارد.

شخصیت زری هم مثل فریده زن جوان و تحصیل کرده است. سرشار از حس و عاطفه، مهربان و اهل مدارا و مسالمت جوی است. سعی می کند آرامش خانه و خانواده خود را در مقابل نا ملایمتها و ظلم و ستمهای روزگار حفظ و مصون نگه دارد. به قول خودش نمی خواهد جنگ وارد خانه اش بشود. شخصیت زری با سه مرحله از زندگی در داستان ظاهر می شود. دوره نوجوانی، دوره متأهلی و دوره پس از مرگ همسرش و بیوه شدن. در دوره نوجوانی هنگام تحصیل در مدرسه انگلیسی دختری است پرخاشگر و سرکش. سر سخنانه و بدون ترس و واژه در مقابل هر حرف و رفتار زور و ناحق واکنش نشان می دهد. چنان که در مقابل مدیر مدرسه می ایستد. دوره دوم زندگی او زمانی است که با یوسف ازدواج می کند و صاحب چند فرزند می شود. او از زندگی خوب و آرام و مرفه برخوردار است. عشق و علاقه وافر او به خانواده اش و ترس و نگرانی از عواملی که ممکن است این آرامش و راحتی را از آنها بگیرد، شجاعت و شهامت را از او گرفته و او را تبدیل به زنی ترسان و لرزان و منفعل ساخته است. البته باید به این نکته اشاره کرد که زری قبل از ازدواج با یوسف زندگی را با سختی فراوان، سرشار از فقر و ناداری گذرانده است که به نوبه خود می تواند یکی از دلایل ترس و نگرانی او از دست دادن زندگی راحت و آرامی که دارد، باشد. و اما در دوره سوم که او کاملاً اسیر احساسات و عواطف و علایقش به سر می برد. با مرگ همسرش یوسف یه کلی دیگرگون می شود و از قید اسارت احساسات، دلبستگی و وابستگی هایش آزاد می شود و دو باره به زندگی پیش از ازدواج در ایام نوجوانی اش بر می گردد. بدین ترتیب شخصیت زری در طول

داستان رو به تکامل می رود و سرانجام از او زنی می سازد که هیچ نشانی از ترس و وحشت و دلهره در او دیده نمی شود.

نویسندگان هر دو داستان در پرداختن به شخصیت زنان خوب و موفق عمل کرده اند. آنها با بهره گیری از شیوه های مستقیم و غیر مستقیم در قالب رفتار، گفتار، قیافه ظاهری و... شخصیت های داستان خود را به تصویر کشیده اند. از آنجا که موضوع داستانهای مذکور واقع گرایانه است، بنابر این سعی نویسندگان بر این بوده است که شخصیت های زنده، واقعی و ملموس خلق کنند. زری و فریده چنین شخصیتهایی هستند و از پیچیدگی و پویایی برخوردار اند. آنها دارای احساسات متناقض، تردید و تنش هستند. هر چند سبک رمان چالی قوشو مشابه داستانهای رمانتیک قرن نوزدهم فرانسه است؛ اما شخصیت های آن کاملاً ملموس هستند. فریده نمونه ای از یک زن در جامعه ترک است و مسایل و مشکلات او نیز مسایل و مشکلات همه زنان آن جامعه. خصوصیات بارز شخصیت های هر دو داستان دارا بودن آنان از خصوصیات شخصی است. خلق و خوی، طرز رفتار، نقاط ضعف و قوت، دیدگاه های اجتماعی و سیاسی آنها بر خواننده معلوم می گردد. زری و فریده شور و شوق، دغدغه و امید و توانمندی های خاص خود را دارند. آنها حتی در پاره ای از اوقات، تمایلات و خصوصیات خویش را مورد انتقاد قرار می دهند. هر دو شخصیت، ساخته ایده آلیسم نویسندگانشان هستند در عین حال باید خود را بسازند. آنها برای ساختن هویت قابل اعتنا باید با چنگ و دندان تلاش کنند. در کل، آنها انسانهایی با فردیت و هویت شخصی خاص خود هستند.

بررسی دیدگاه هر دو نویسنده نشان می دهد که آنها در عین وفاداری به بنیان های اخلاقی و اجتماعی خانواده، وارد شدن زن به جامعه و نفی هر گونه تفاوت و تبعیض و اختلاف بین فعالیت های زن و مرد تأکید می کنند. به عبارت دیگر، رسالت زن در نظر آنها ممانعت از ظلم مردان و جامعه مرد سالار و مبارزه برای به دست آوردن آزادی های فردی و احقاق حقوق است؛ تا از این طریق بتوانند هویت از دست رفته خود را به دست بیاورند. البته هیچ کدام از آنها نقش سنتی زن را نفی نمی کنند. در واقع یکی دیگر از وجوهات مشترک دانشور و رشاد نوری، مثبت تلقی کردن نقش سنتی زنان است که در طول داستان به چشم می خورد. هر دوی آنها نقش سنتی زنان را با نقش اجتماعی جدید تلفیق می کنند و زنی را تأیید می کنند که علاوه بر نقش سنتی، نقش جدید اجتماعی را نیز بپذیرند. به عنوان مثال حس مادری و شوهر داری و رعایت حقوق کامل آنان به عنوان مهمترین وظیفه ی زن در سووشون، مورد توجه قرار می گیرد. چنانکه همسر مورد ستایش دانشور، نسبت به شوهر و فرزندان خود مهربان، غمگسار و وفادار است. در غم و شادی آنان شریک و سهیم و همیشه دمساز و قرین آنان. پاکدامن و علاقه مند به شوهر خود هست. زنی که با شیوه و کار و رفتار خود می تواند آنان را شادمان دارد، گرد غم از رخسار آنان بزداید و آن گونه رفتار نماید که آنها خشنود و راضی باشند و چنین است فریده چالی قوشو در برخورد با اقشار مختلف جامعه. رشاد نوری در آخر داستان فریده را با آنکه به استقلال کامل دست یافته و هویت و فردیت خود را به اثبات رسانده است، تنها به حال خود رها نمی کند؛ بلکه به آغوش خانه و خانواده بر می گرداند، این امر جدا از آنکه جهت جلب رضایت و خوشنودی و پاسخ به خواسته ی خواننده که با رنج ها و آلام تنهایی و بی کسی فریده از ابتدای داستان تا انتهای آن شریک بوده و احساس همدردی کرده، صورت گرفته است؛ می تواند بیانگر پایبندی نویسنده به اخلاقیات و ارزش های اخلاقی جامعه به ویژه نقش بارز خانواده باشد.

اگر بخواهیم زری و فریده را چه قبل از متحول شدن چه بعد از آن مقایسه کنیم، باید بگوییم که فریده در تمام مراحل زندگی به مراتب مستقل تر، فعال تر و با شهامت تر از زری است. البته این امر کاملاً عادی و طبیعی و

سازگار با موقعیت اجتماعی آنان است. چرا که فریده پدر و مادرش را از کودکی از دست داده و همسر و فرزندش هم ندارد که به آنها تعلق خاطر داشته باشد؛ لذا می تواند بدون هر گونه ملاحظه و محافظه کاری تصمیم بگیرد و برای انجام آن قدم بردارد. در مقابل زری اسیر زندگی دیگران، همسر و فرزندانش است. ناچار باید ملاحظه خیلی چیزها را بکند. بنابر این در عرصه زندگی نمی تواند چندان فعالانه و آزادانه عمل کند. نکته دیگری که در مورد شخصیت های مذکور به چشم می خورد چگونگی تحول شخصیتی آنان است. زری قبل از مرگ همسرش زنی است ملایم، مسالمت جوی و فاقد شهامت. پس از مرگ همسرش است که به آگاهی می رسد و طبق ایام نوجوانی اش روح معترض و مبارز و مقاوم می یابد. در صورتی که در فریده عکس این امر اتفاق می افتد. یعنی روح سرکش و معترض و عاصی او پس از روبرو شدن با واقعیت های زندگی رام و آرام می گیرد، نرمخویی و ملایمت می یابد و شکیبایی و مدارا پیدا می کند و بدین شکل به تکامل می رسد.

زری و فریده هر دو درک اجتماعی دارند و به آنچه که در پیرامونشان می گذرد آگاهی دارند. جهان را نا مطلوب و مستلزم اصلاحگری و نیازمند به حرکت اجتماعی همه جانبه به ویژه زنان می دانند. آنها شخصیت های سیاسی نیستند. هرچند زری در انتهای داستان به بینش سیاسی می رسد؛ اما فریده به هیچ وجه در بند هیچ ایدئولوژی و نظریه سیاسی نیست. او اصلاح جامعه، به خصوص بهبود محیط و سیستم آموزشی را از طریق مباحث سیاسی دنبال نمی کند؛ بلکه در عمل و حرکت فردی و جمعی می بیند. زری و فریده زنان قوی و استوار هستند که در خود توانایی و قابلیت به دست گرفتن زمام امور را دارند. هر دو پس از اتفاقات ناگواری که می تواند هر زنی را مأیوس و دلزده کند و رشته ارتباطش را با دنیای بیرونی قطع کند، خود را نمی بازند و به انزوا نمی گرایند؛ بلکه مصمم و پایدار فرا تر از تصور عمومی جامعه، ایفای نقش می کنند. در نتیجه آن است که زری با تصمیم خود تشییع جنازه شوهرش را به تظاهرات سیاسی و عزای عمومی در شهر تبدیل می کند و فریده نیز باز با همان تصمیم، به دور دست ترین جاهای آناتولی می رود و به طور شگفت انگیز موفق می شود در وجود آموزگاران پس از خود این انگیزه را به وجود بیاورد داوطلبانه به مناطق دور دست و محروم روی آورند و دست به اصلاحگری بزنند. انگیزه ای که کمتر سیاستمداری در ایجاد آن موفق بوده است. (Duyamaz, 2005: 32)

نویسندگان هر دو رمان، اغلب صفات خوب و پسندیده را برای زنان داستانهای خود بر می گزینند. صفاتی چون مهر و محبت، شجاعت، فعالیت و عمل در عرصه اجتماع، مقاومت در برابر سختی ها، اعتماد به نفس، امید و ایستادگی در برابر مرد سالاری. در این میان رشاد نوری صفاتی چون عفت، پاکدامنی، وفاداری و نیز زیبایی و جذابیت ظاهر و رفتار زن را در کنار خصلت های یاد شده برجسته تر نشان می دهد که می توان این امر را با کمی اغماض با روح مردانه او مرتبط دانست. به این توضیح که مرد ها عموماً صفاتی را برای زنان مثبت و شایسته تر بر می شمردند که نفع و فایده آن صفات به خود آنها برگردد و شخصیت آنان در راستای آن به تکامل برسد. این نکته را اگر تنها تفاوت شخصیت پردازی دانشور و رشاد نوری قلمداد نکنیم هیچ وجه افتراق دیگر در رمانهای مذکور ملاحظه نمی شود که قابل ذکر باشد.

## نتیجه گیری

با بررسی و مقایسه دو رمان مورد بررسی از نگاه نوع دیدگاه و نگرش نویسندگان آن به موضوع زن و نحوه شخصیت پردازی آنان که در فاصله زمانی متفاوت از قلم و زبان دو جنسیت مخالف نگاشته شده است، می توان پی برد، تغییر و تحولاتی که در قرن اخیر در ساختار اجتماعی جوامع جهانی از جمله جامعه ایران و ترکیه رخ داده است؛ تأثیرات مستقیم خود را در ادبیات این جوامع نهاده و نگرش مرد سالارانه را از چهره آن زدوده، تبدیل به عرصه عرضه نگرشهای مختلف ساخته است.

مقایسه دو رمان *سوشون* و *چالی قوشو* از نظر پرداختن به شخصیت زن، با وجود دو روایت مختلف، تشابه و مشترکات دیدگاه های هر دو نویسنده را نسبت به زن، آشکار و روشن می سازد. نویسندگان رمانهای مذکور با نگرش مثبت به زنان بر خلاف نگرش حاکم بر اندیشه نویسندگان گذشته که زن در آثار آنها در قالب یک موجود انتزاعی با چهره منفعل، تک بعدی (مطلق خوب یا مطلق بد) و در حاشیه زندگی جلوه می کند؛ چهره معقول، ملموس و واقعی پیدا کرده و با حضور متفاوت در عرصه های مختلف اجتماعی، نقش فعال و مثبت و مؤثر، ایفا کرده اند.

در رابطه با ویژگی های مشترکی که در مورد شخصیت های اصلی هر دو داستان ملاحظه می شود این است که آنها از ابتدا در پی ایده و آرمان خاصی وارد اجتماع نشده و انگیزه ای چون ایجاد تغییر شرایط زندگی اطرفیان و بهبود بخشیدن به وضع جامعه را نداشته اند در واقع حرکت آنها به سوی جامعه یک نوع واکنشی است، برای رهایی و نجات از ستم و تحقیری که در حق آنان شده است. فریده به تحقیر و جفایی که از سوی نامزدش بر او روا شده است گردن نمی نهد و فرار می کند. فرار او یک اعتراض و نوعی عصیان است. او زنی مستقل و دارای توانایی هایی است که می تواند روی پاهای خود بایستد. زری هم پس از مرگ همسرش که ناجوانمردانه کشته شده است، خود را شکست خورده و همه چیز را از دست داده می بیند. این تفکر باعث از بین رفتن ترس و ملاحظه کاری از وجودش شده او را به آگاهی و استقلال فکری می رساند و به یک زن مستقل، شجاع و مؤثر در عرصه اجتماعی و سیاسی تبدیل می کند.

رشاد نوری و دانشور از زری و فریده چهره ای از یک زن ممتاز و متمایز ساخته اند در عین حال کوشیده اند آنها را ملموس و حقیقی نشان دهند. آنها دارای احساس و عاطفه هستند. می خندند، می گریند، می ترسند، ملایمت و مسالمت جویی نشان می دهند، دارای ضعفها و ناتوانیها هستند؛ با این همه اگر مورد تحقیر و ظلم و ستم قرار گیرند، می توانند در یک لحظه به تمام وابستگی و علایق شان پشت با زده، شخصیت خود را حفظ کنند. آنها انسانهای کامل نیستند بلکه زنانی در حال رشد و تکامل اند. اشتباه می کنند، مفتون و مغلوب می شوند؛ اما سرانجام بر مشکلات غلبه کرده، تأثیری به یاد ماندنی از خود به جای می گذارند. در اینجا ست که تصویر مطلوب و شایسته هر دو نویسنده از یک زن تبلور می یابد.

در حقیقت در *سوشون* و *چالی قوشو* زنانی به تصویر کشیده می شوند که می کوشند هویت و جایگاه خویش را اثبات کنند. آنها پس از پشت سر گذاشتن تجربیات شخصی از پوسته خود بیرون آمده، استقلال یافته و وارد اجتماع می شوند. در مجموع فردیت زری و فریده در داستان در دو مرحله آشکار می شود. در مرحله اول آنها سرشار از احساسات، امیال، افکار و آرزو ظاهر می شوند. همه خوشی ها، دغدغه ها و امیدهای آنان در خلال

داستان انعکاس می‌یابد. در مرحله دوم، در گذر زمان و حوادث، متحول گشته، تغییر هویت پیدا می‌کنند و در پایان داستان دیگر آنها کسانی نیستند که در آغاز بوده‌اند.

بررسی و مقایسه شخصیت‌های زری و فریده قبل و بعد از متحول شدن نشان می‌دهد که فریده در تمام مراحل زندگی به مراتب مستقل‌تر، فعال‌تر و با شهامت‌تر از زری است. البته این امر کاملاً عادی و طبیعی و سازگار با موقعیت اجتماعی آنان است. چرا که فریده پدر و مادرش را از کودکی از دست داده و همسر و فرزندی هم ندارد که به آنها تعلق خاطر داشته باشد؛ لذا می‌تواند بدون هر گونه ملاحظه و محافظه‌کاری تصمیم بگیرد و برای انجام آن قدم بردارد. در مقابل زری اسیر زندگی دیگران، همسر و فرزندانش است. ناچار باید ملاحظه‌خیزی چیزها را بکند. بنابر این در عرصه زندگی نمی‌تواند چندان فعالانه و آزادانه عمل کند. نکته دیگری که در مورد شخصیت‌های مذکور به چشم می‌خورد چگونگی تحول شخصیتی آنان است. زری قبل از مرگ همسرش زنی است ملایم، مسالمت‌جوی و فاقد شهامت. پس از مرگ همسرش است که به آگاهی می‌رسد و طبق ایام نوجوانی اش روح معترض و مبارز و مقاوم می‌یابد. در صورتی که در فریده عکس این امر اتفاق می‌افتد. یعنی روح سرکش و معترض و عاصی او پس از روبرو شدن با واقعیت‌های زندگی رام و آرام می‌گیرد، نرم‌خویی و ملایمت می‌یابد و شکیبایی و مدارا پیدا می‌کند و بدین شکل به تکامل می‌رسد.

به طور کلی نویسندگان رمان‌های مذکور با نگرش مثبت به زنان نگرسته ویژگی‌های منفی زیادی برای آنان ذکر نکرده‌اند؛ اما به هر حال عدم آگاهی، مظلوم و منفعل بودن، عدم شجاعت، سنتی بودن، حيله‌گری، اغواگری، جهل و بی‌سوادگی، خرافه‌پرستی و عجز و ناتوانی از جمله صفات‌های منفی به شمار می‌رود که در وجود شخصیت‌های اصلی و فرعی رمانها قابل مشاهده است. ترس و واهمه عنصر حاکم بر وجود زری بر خلاف فریده است. او همواره بر جان همسر و فرزندانش بی‌مناک است و علت این ترس و بیم و هراس هم بر می‌گردد و به فضای بسته و اختناق و استبداد که در ضمن روایت داستان بیان می‌شود.



## منابع و مأخذ

- اربابی، عیسی: «چهار سرو افسانه»، چاپ اول، تهران، نشر اوحدی، 1378
- اسحاقیان، جواد، «گامی در ادبیات زن گرا»، مجله ادبیات معاصر، ش، 34، 23، س، 1377
- ابو الحسنی، لیلی، «بانوی قصه نویس 82 ساله شد»، نشریه آسیا، س 1382، ش نمایه، 135، بازیابی 4242 کتابخانه
- دانشور، سیمین، سووشون، چاپ پانزدهم، تهران، انتشارات خوارزمی 1383
- دهباشی، علی، بر ساحل جزیره ی سرگردانی، چاپ اول، تهران، انتشارات سخن 1283
- رویکرد جامعه شناختی و فمینیستی در تحلیل سووشون: به راهنمایی پور نامداریان، تقی (پژوهشکده علوم انسانی و مطالعه فرهنگی)
- سیمای زن در ادبیات داستانی معاصر (با تکیه بر اهم آثار هدایت، افغانی، گلشیری، دانشور و روانی پور) به راهنمایی قبادی، حسینعلی (دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، رشته زبان و ادبیات فارسی 1384)
- شایگان فر، محمد رضا، نقد ادبی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دستان 1384
- شخصیت و شخصیت پردازی در داستان معاصر (از جمالزاده تا انقلاب اسلامی) به راهنمایی پورنامداری - تقی (دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، رشته زبان و ادبیات فارسی 1378)
- علاسوند، فریبا، زنان و حقوق برابر، چاپ اول، تهران، نشر روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان 1382
- قبادی، حسینعلی، «تحلیل درونمایه های سووشون از نظر مکتبهای ادبی و گفتمان اجتماعی»، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ش سوم، س 1383
- گلشیری، هوشنگ، جدال نقش با نقاش، چاپ اول، تهران، انتشارات نیلوفر 1376
- محمودیان، محمد رفیع، «سیمای زن در ادبیات داستانی»، مجله ی زنان، ش 75، س 1380
- مکاریک، ایرنا ریما، دانش نامه ی نظریه های ادبی معاصر، ترجمه، مهران مهاجر، محمد نبوی، چاپ اول، تهران، انتشارات آگاه 1384
- میر صادقی، جمال: داستان نویسهای نام آور معاصر ایران، چاپ اول، تهران، نشر اشاره 1382
- میر صادقی، میمنت، رمانهای معاصر فارسی، چاپ اول، تهران، انتشارات نیلوفر 1382
- Bakırcıoğlu, Ziya: *Türk Romanı*, Ötüken Yayınları, 8. bsk, İstanbul 2004.
- Duymaz, Recep: *Reşat Nuri Güntekin'in Öğretmenleri*, Eğitim Dergisi, Sayı 60, Yıl 5, 1 2005.
- Emil, Birol: *Reşat Nuri Romanlarında Şahıslar Dünyası*, İstanbul Üniversitesi Yayınları, 1. bsk, İstanbul 1984.

- Gülendâ, Ramazan: *Romanımızda Kadın Kimliği*, Salkım Söğüt Yayınları 1. bsk İstanbul 2006.
- Güntekin Reşat Nuri: *Çalığışu*, İnkılap Kitabevi, 54. bsk. İstanbul 2003.
- Köksöl, Sırma: *Cumhuriyet Kızı Feride*, Kitaplık Dergisi, Sayı 83, Yıl 2005.
- Kudret, Cevdet: *Örneklî Türk Edebiyatı*, Kültür Bakanlığı Yayınları, 1. bsk, Ankara, 1995.
- Lekesiz, Ömer: *Osmanlıdan Bugüne Popüler Romanlar*, Hece, Aylık Edebiyat Dergisi Yıl 6, Sayı 65, 66, 67.
- Moran, Berna: *Türk Romanına Eleştirel Bakış*, İletişim Yayınları, 13. bsk, İstanbul 2005.
- Berna Moran: *Edebiyat Kuramları ve Eleştiri*, İletişim Yayınları, 1. bsk İstanbul 1994.
- Naci, Fethi: *Reşat Nuri'nin Romancılığı*, Yapı Kredi Yayınları, 1. bsk, İstanbul 2003.
- Önertoy, Olcay: *Reşat Nuri*, Cem Yayınevi, 1. bsk İstanbul 1979.
- Parlatır, İsmail: "Türk Romanında İdeal Tipler", *Türk Dili Dergisi*, Sayı 413, Yıl 1986.
- Tekin, Mehmet: "Türk Romanı", *Aylık Edebiyat Dergisi*, Sayı 65,66,67 Yıl 6, 2002.